

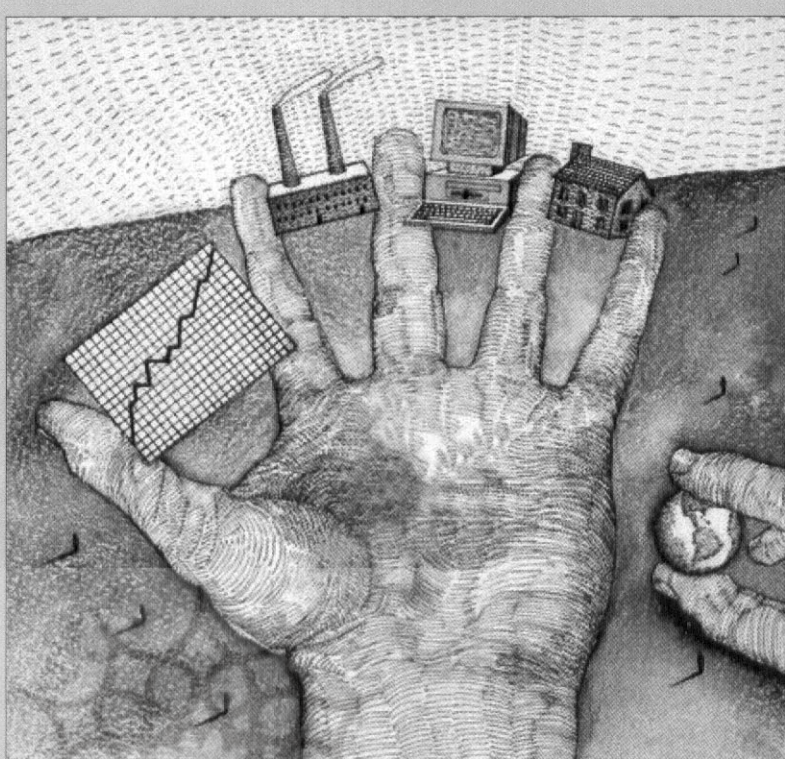
مصلحت نظام باید با تشخیص مصلحت، این اختلاف نظر را به صورت قطعی فیصله دهد.

دوم، ارایه مشاوره به مقام رهبری در زمینه های ارجاع مقام رهبری یا در زمینه تدوین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل یک صد و دهم قانون اساسی.

اگر در مقایسه ای تطبیقی بین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی سایر کشورها با اندکی تسامح بتوان شورای نگهبان را به دادگاه قانون اساسی و مجلس خبرگان را به مجلس عالی یا سنا تشبیه کرد، مجمع تشخیص مصلحت نظام نهاد ویژه ای است که مابه ازاء مشابه در قانون اساسی سایر کشورها ندارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام به اعتبار درج اصل ناظر بر تشکیل آن در ذیل فصل مربوط به رهبر و شورای رهبری و تصریح ماده یکصد و دهم قانون اساسی، بازوی مشورتی رهبری نظام تلقی می شود و بر همین اساس جایگاه ویژه و منحصر به فردی در نظام حکومتی جمهوری اسلامی به خود اختصاص داده است.

یکی از وظایف عمده ای که بر اساس قانون به عهده رهبری گذارده شده تعیین سیاست های کلی جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر حسن اجرای این سیاست های کلی است. در واقع در این زمینه مقام رهبری به مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام متکی است. بر این اساس، مجمع تشخیص مصلحت نظام حوزه های مختلف تدوین سیاست های کلی نظام در زمینه های علمی و فرهنگی، سیاسی و امنیتی، اقتصادی و بازرگانی، زیربنایی و تولیدی و حقوقی و قضایی را مشخص نموده و با تعریف و تعیین حدود سیاست های کلی از سیاست های اجرایی، بخش هایی از سیاست های کلی نظام در بعضی زمینه ها را تدوین کرده است. علاوه بر آن، مجمع تشخیص مصلحت مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام را تدوین نموده و ترکیب کمیسیون نظارت و کمیته های تخصصی نظارتی را تعیین کرده است.

تدوین سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از زمینه هایی است که در هشت سال گذشته در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار داشته است. بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی حوزه فعالیت بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی در هر یک از بخش های اصلی اقتصادی تعیین شده است. مشکل اساسی ناشی از اصل ۴۴ قانون اساسی آنجاست که در این اصل تقریباً تمامی بخش های عمده اقتصادی کشور شامل صنایع بزرگ، صنایع سنگین، تجارت خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه گری، نیروگاه ها، سدها، شبکه های



نگاهی به اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست های کلی آن

راه حلی نیازمند راهکار

محمد هادی مهذوبیان

**نخستین مشکل اساسی در
اجرای رهیافت بند ج
وضعیت مالی نابسامان
شرکت ها و موسسات صدر
اصل ۴۴ است**

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همانند قانون اساسی سایر کشورها، مبانی و اصول ناظر بر تشکیل نهادهای حکومتی، وظایف و مسئولیت های هر یک از نهادهای حکومتی، و میزان کیفیت مشارکت های مردمی در حکومت را تعیین کرده است. علاوه بر آن در بازنگری سال ۱۳۶۸ قانون اساسی، اصل یک صد و دوازدهم قانون اساسی ناظر بر تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون جدید گنجانیده شد. بر اساس این اصل مجمع تشخیص مصلحت نظام دو وظیفه اساسی بعهدہ دارد:

نخست، بررسی اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در زمینه مصوباتی از مجلس که شورای نگهبان آن را خلاف شرع و قانون اساسی تشخیص دهد. بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی، مجمع تشخیص

طولانی در سال ۱۳۸۰ مصوبه خود در زمینه سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را به مقام رهبری تقدیم کرد. این مصوبه با اختصار و اجمال در سه بند به بخش خصوصی اجازه می داد که به فعالیتهای صدر اصل ۴۴ قانون اساسی وارد شود و نیز تصریح داشت که در صورت ضرورت، لوایح قانونی لازم در این زمینه توسط دولت به مجلس شورای اسلامی ارایه گردد. مقام رهبری پس از ملاحظه پیشنهادات مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام چهار موضوع را مورد تأکید قرار دادند و تصریح داشتند که مجمع تشخیص با امعان نظر به این چهار مطلب، سیاست های کلی پیشنهادی را با تفصیل و جامعیت بیشتری ارایه نماید. این چهار بند از این قرار بود:

● نخست، شناسایی بخش های غیر صدر اصل ۴۴ قانون اساسی و منع ورود دولت به این بخش ها و اجبار دولت به خصوصی سازی مالکیت های خود در این فعالیت ها؛

● دوم، ضرورت شناسایی قسمتی از فعالیت های صدر اصل ۴۴ قانون اساسی که انتقال مالکیت آن به بخش عمومی غیر دولتی، بخش تعاونی، و بخش خصوصی، موجب شکوفایی اقتصاد کشور می شود؛

● سوم، بررسی و شناسایی موانع توسعه بخش تعاونی و ارایه پیشنهادهای مشخص برای رفع این موانع؛

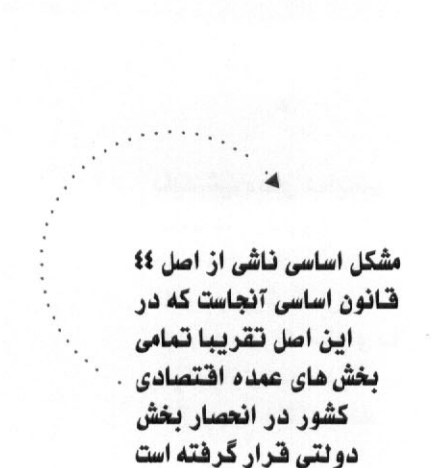
● و بالاخره بخش چهارم به ضرورت اعمال نظارت و حاکمیت دولت بر موارد انتقال مالکیت فعالیت های صدر اصل ۴۴ قانون اساسی می پرداخت.

پس از ارائه رهنمودهای مقام رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام بیش از دو سال در زمینه اصل ۴۴ قانون اساسی کار تحقیقاتی و جمع آوری نظرات را انجام داد و بالاخره در سال ۱۳۸۳ پیشنهادات تفصیلی مجمع تشخیص مصلحت تصویب و در پنج بند به مقام رهبری تقدیم شد.

بند (الف) این مصوبه به سیاست های پیشنهادی برای جلوگیری از بزرگ شدن دولت، منع دولت به ورود در حوزه های غیر صدر اصل ۴۴، خصوصی سازی شرکت های دولتی غیر اصل ۴۴ قانون اساسی تا پایان دوره برنامه چهارم، و کیفیت صدور مجوز برای ورود بخش خصوصی به فعالیت های اصل ۴۴، مربوط می شود.

بند (ب) سیاست های پیشنهادی به بیان موانع توسعه بخش تعاون و سیاست های کلی برای توسعه بخش تعاونی پرداخته است.

بند (ج) به سیاست های کلی مورد توصیه جهت خصوصی سازی فعالیت شرکت های دولتی صدر اصل



مشکل اساسی ناشی از اصل ۴۴ قانون اساسی آنجاست که در این اصل تقریباً تمامی بخش های عمده اقتصادی کشور در انحصار بخش دولتی قرار گرفته است

قلمرو اصل مزبور به تدوین قوانین مکمل محول گردیده بود. در مراحل و فازهای بعدی که موضوع ورود بخش خصوصی به بعضی از حوزه های فعالیتی دولت در صدر اصل ۴۴ مطرح گردید (نظیر ایجاد رادیو و تلویزیون خصوصی، یا خصوصی سازی بانک ها و بیمه ها) حسب مورد پیشنهادات و بعضاً مصوبات دولت از طرف سایر مراجع مورد مخالفت قرار گرفت و در یک مورد مصوبه دولت از جانب دیوان عدالت اداری لغو گردید.

بحث مبسوط در زمینه محدودیت اصل ۴۴ قانون اساسی مجدداً در زمان تدوین قانون برنامه سوم توسعه کشور در دستور کار دولتمردان و کارشناسان قرار گرفت. جمع بندی مباحث مقدم بر تدوین قانون برنامه سوم توسعه آن بود که در سال های برنامه سوم به صورت محدود و مشروط اجازه فعالیت بخش خصوصی در حوزه فعالیت های صدر اصل ۴۴ قانون اساسی داده شود، اما خصوصی سازی شرکت ها و مؤسسات دولتی فعال در حوزه صدر اصل ۴۴ به بعد از پیشنهاد سیاست های کلی نظام توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب آن توسط مقام رهبری، موکول گردد. به این ترتیب در قالب قانون برنامه سوم توسعه کشور دولت مجاز گردید که مجوزهای لازم برای ورود بخش خصوصی در بعضی فعالیت های صدر اصل ۴۴ قانون اساسی، نظیر هواپیمایی، کشتیرانی، بانکداری و بیمه گری را صادر نماید. در عین حال موضوع خصوصی سازی شرکت های دولتی صدر اصل ۴۴ به پیشنهاد و تدوین سیاست های کلی مجمع تشخیص مصلحت نظام محول گردید.

مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از بحث های

آبرسانی، رادیو و تلویزیون، راه و راه آهن و امثال آن در انحصار بخش دولتی قرار گرفته است. در اصل مزبور حوزه فعالیت بخش تعاونی همانند حوزه فعالیت بخش دولتی، به صورت صریح تعریف و تبیین نگردیده، بلکه در خصوص بخش تعاونی صرفاً به بیان شکل حقوقی تعاونی های تولیدی و توزیعی در مناطق شهری و روستایی و ضرورت انطباق این اشکال با شریعت اسلامی بسنده شده است. به این ترتیب در اصل مزبور حوزه فعالیت بخش خصوصی به صورت پسماند و مکمل بخش های دولتی و تعاونی تعریف گردیده است. در ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی گفته شده که فعالیت های مولد در این سه حوزه یا بخش، مشروط بر آنکه (۱) با سایر مواد قانونی فصل چهارم قانون اساسی مطابقت داشته باشد، (۲) از محدوده قوانین شرع خارج نباشد، (۳) موجب رشد و توسعه اقتصادی باشد و زیان به جامعه وارد ننماید؛ مورد حمایت قانون است. همچنین در ذیل همین بند گفته شده که ضوابط و قلمرو فعالیت هر یک از سه بخش فوق الذکر توسط قوانین عادی معین خواهد شد.

شیوه نگارش و تدوین اصل ۴۴ قانون اساسی، عدم متابعت این اصل از طبقه بندی مشابه در تعریف حوزه فعالیت سه بخش دولتی، تعاونی، خصوصی، و ابهام در ارتباط بین ذیل و صدر این ماده و نیز در بیان مشخص آنچه از ماده مذکور که به قوانین عادی سپرده شده، در دهه گذشته انرژی و وقت زیادی از مسئولان درجه یک کشور را به خود اختصاص داده است.

در مواجهه با این ابهامات در زمان تدوین برنامه اول و بلافاصله پس از پایان جنگ تحمیلی، رئیس جمهور وقت طی نامه ای به شورای نگهبان دو سوال مشخص بشرح ذیل را مطرح نمود:

نخست آنکه تعبیر مشخص "در اختیار دولت" در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی چیست؟ آیا عبارت در "اختیار" به مفهوم مالکیت انحصاری و مدیریت و مداخله مستقیم دولت تلقی می شود، یا آنکه منظور اعمال نقش حاکمیتی دولت و نظارت دولت بر امور است.

سوال مشخص دوم آن بود که چنانچه نقش مالکیتی - مدیریتی یا حاکمیتی - نظارتی دولت از طریق شرکت های سهامی اعمال شود، آیا ضروری است که صدر صد سهام این شرکتها به دولت تعلق داشته باشد، یا حفظ اکثریت مالکیت سهام برای اعمال نقش دولت کفایت می کند؟

شورای نگهبان قانون اساسی در آن زمان پاسخ روشنی به این سوالات ارائه نداد و صرفاً به بخش پایانی اصل ۴۴ قانون اساسی ارجاع داد که بر مبنای آن تفصیل و

۴۴ قانون اساسی ارتباط می‌یابد.

بندهای (د) و (ه) سیاست‌های کلی پیشنهادی هدف‌های مورد نظر از واگذاری‌ها و چگونگی مصرف منابع مالی حاصل از واگذاری‌ها و نیز کیفیت اعمال حاکمیت دولت و پرهیز از انحصار را مورد توجه قرار داده است.

از مجموعه سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و پیشنهاد شده به مقام رهبری، چهار بند (الف)، (ب)، (د) و (ه) مورد تایید قرار گرفت و با عنوان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسمیت یافت و جهت اجرا ابلاغ گردید. بند (ج) سیاست‌های کلی پیشنهادی مجمع تشخیص ناظر بر توسعه بخش غیر دولتی، از طریق

واگذاری فعالیت و بنگاه‌های دولتی صدر اصل

۴۴ قانون اساسی، تایید نشد و تایید آن موکول به تهیه گزارشات و مستندات بعدی گردید.

پس از گذشت یک سال و نیم از آخرین پیشنهادات مصوب مجمع تشخیص، مقام رهبری در تیرماه سال جاری راهبرد بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را تایید و جهت اجرا به روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند. براساس این ابلاغیه، دولت موظف گردید که به عوض واگذاری ۶۵ درصد سهام مالکیتی دولت در فعالیتهای صدر اصل ۴۴ که مورد پیشنهاد مجمع بود، ۸۰ درصد سهام کارخانه‌ها و بنگاه‌های دولتی را به بخش‌های خصوصی، تعاونی، و موسسات عمومی غیردولتی واگذار نماید.

در ادامه این ابلاغیه، محدودیت، کیفیت اجرا، و استثنای مورد نظر در این واگذاری‌ها قید شده است. برای این منظور شرکت ملی نفت و تمامی شرکت‌های بالادستی نفت و گاز، بانک مرکزی و تعدادی از بانک‌های تجاری و تخصصی، بیمه مرکزی و بیمه ایران، دستگاه‌های نظارتی حوزه هواپیمایی و بنادر و کشتیرانی، شرکت‌ها و موسسات تامین برق و انتقال نیرو، پست و مخابرات، و صنایع دفاعی مستثنی گردیده‌اند.

در بخش الزامات و کیفیت واگذاری‌ها تصریح گردیده که واگذاری‌ها باید براساس قواعد بازار بورس، از طریق فراخوان عمومی و با امان نظر به کلیه جنبه‌های کارشناسی صورت پذیرد.

در بخش پایانی ابلاغیه از دولت خواسته شده است که با توجه به ابلاغیه بند (ج) و تاکید بر وظایف

باید شیوه‌های عملیاتی مناسب بازارسازی و هیئت‌های امنای متعدد ناظر بر ارزش‌گذاری سهام به صورت نقطه‌ای با معیار بازار، به صورت فعال وجود داشته باشد

یادآوری این نکته ضروری است که تا قبل از این تحولات، قانونی بودن طرح سهام عدالت دولت از بابت آنکه بخشی از منابع مالی عمومی در چارچوب آن مصرف می‌شد و نیز از بابت تسهیلات مالی صفردرصدی آن به تعاونی‌های تشکیل شده از افراد ذینفع، از جانب بعضی کارشناسان و نمایندگان مورد پرسش قرار گرفت. مقام رهبری در ابلاغیه اخیر ضمن موافقت با اختصاص ۵۰ درصد سهام قابل واگذاری صدر اصل ۴۴ به طرح سهام عدالت، بر موازین بازار و حاکمیت قواعد و مقررات بورس در اجرای طرح عدالت تاکید کردند.

در این ابلاغیه، بار دیگر بر نقش جدید دولت در امر هدایت و نظارت، بهبود فضای کسب و کار، شفافیت در اجرای مصوبات اخیر و در قالب فراخوان عمومی، و نیز تشکیل ستادی قوی برای اجرا و نظارت بر این امور تصریح و تاکید شد.

آنچه در فوق گفته شد حکایتی طولانی از موانعی است که اصل ۴۴ قانون اساسی در راه خصوصی‌سازی فعالیتهای عمده اقتصاد کشور ایجاد کرده بود. ذکر این نکته هم ضروری است که راهبرد بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ زمانی تصویب و ابلاغ گردید که قبل از آن طرح سهام عدالت توسط دولت به مرحله اجرایی و عملیاتی رسیده بود.

این همزمانی ممکن است ناشی از آن باشد که احتمالاً دولت برای اجرای طرح عدالت در گستره وسیع تعریف شده آن، دارایی مکفی و با کیفیت از نوع غیراصل ۴۴ در اختیار نداشته است. در هر صورت همزمانی ابلاغیه راهبرد بند (ج) و اجرای طرح عدالت، از بابت مشکلاتی که در شرکتها و موسسات صدر اصل ۴۴ با آن مواجهند، ممکن است فرآیند خصوصی‌سازی را در کشور پیچیده‌تر از وضعیت‌های مشابه در سایر کشورها کند.

اما موانع و مشکلات موجود در اجرای رهیافت بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ متعدد است. نخستین مشکل اساسی در این راه

وضعیت مالی نابسامان شرکت‌ها و موسسات صدر اصل ۴۴ است. شرکت‌های دولتی موضوع فعالیت‌های صدر اصل ۴۴ از شرکت‌های آب و برق و فاضلاب، تا راه آهن و هواپیمایی، صنایع سنگین و بانک‌ها هر یک به گونه‌ای با مشکلات مالی عمیقی مواجهند- بعضاً این مشکلات مالی چنان جدی و حاد است که ارزش ویژه بعضی از این موسسات را منفی کرده و احتمالاً "ممکن

سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت دولت در اقتصاد ملی، دولت نقش جدید نظارتی خود را تدوین و اعلام نماید. متعاقب این وقایع و در پی ابلاغ راهبرد بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴، رئیس جمهور طی نامه‌ای از مقام رهبری درخواست کرد که بخشی از سهام شرکت‌های دولتی صدر اصل ۴۴ به طرح سهام عدالت مصوب دولت اختصاص یابد.



است دارایی برای خصوصی سازی وجود نداشته باشد. وضعیت بعضی بانک ها و شرکت های آب و برق، فاضلاب و تعدادی دیگر از این شرکت ها و مؤسسات را می توان در این گروه طبقه بندی کرد. بعضاً تعهدات مالی، بدهی های قطعی و تضامین دولت به این شرکت ها و مؤسسات بسیار سنگین و رقم هایی چنان بزرگ است که تصور خصوصی سازی آن ها قبل از اصلاح ساختار مالی یا پرداخت بدهی ها و تضامین و تعهدات دولت و بدون انتقال دارایی های ناسالم و کم کیفیت از ترانامه آن ها دور از ذهن است. بخشی از این مشکلات مالی به صورت ضربداری در بدهی ها و دارایی های شرکت ها و مؤسساته های دولتی از یک طرف و بدهی / دارایی های مؤسساته های دولتی و بانک ها، از طرف دیگر، درهم تنیده است.

نمونه بسیار خوب در این زمینه بدهی سنگین بعضی از شرکت های آب و فاضلاب و نیرو به بانک هاست که تا زمان عدم تسویه بدهی دولت به این شرکت ها، موضوع قابل حل نیست.

بدهی دولت به شرکتها و مؤسسات آب و فاضلاب و نیرو نیز بعضاً به صورت شفاف در صورت های مالی منعکس نشده است، زیرا این بدهی ها به صورت یکجانبه در دارایی های شرکت ها به لحاظ الزام سیاست های قیمتی خدمات آب و برق از جانب دولت مورد عمل

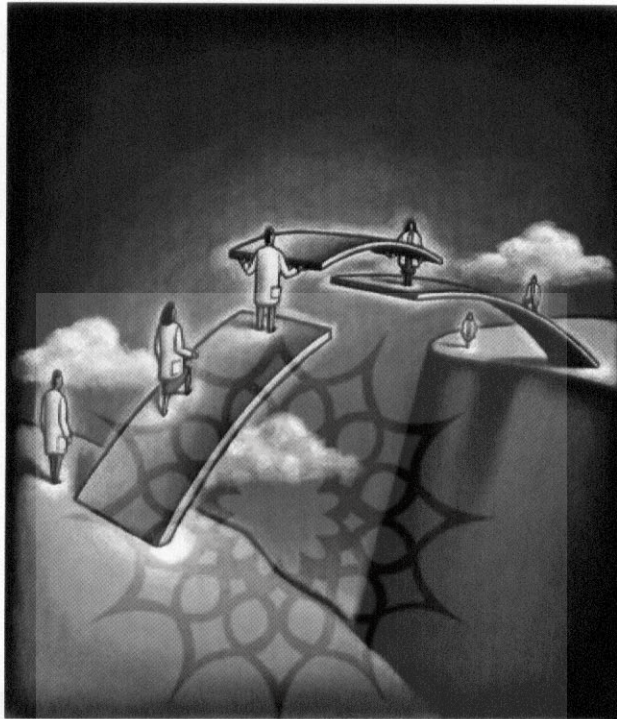
قرار گرفته است، و احتمالاً دولت در مورد قانونی بودن ترجمه الزامات سیاست قیمتی خود به تعهد و بدهی در صورت های مالی شرکتها حرف و حدیث فراوانی دارد.

پیچیدگی هایی از این قبیل در صورت های مالی شرکت ها، مؤسساته ها و بانک ها به صورت ضربداری متعدد است، چندان که تسویه همزمان این مطالبات جز از طریق ایجاد دو مؤسساته تجدید ساختار مالی، یکی برای بانک ها و دیگری برای شرکت ها و مؤسساته های غیرمالی و انتقال همزمان این گونه دارایی های کم کیفیت و بد به این دو مؤسساته ممکن نیست.

مشکل عمده دیگری که در راه خصوصی سازی این مؤسساته ها وجود دارد، در هم تنیدگی راهبرد بند (ج) با طرح سهام عدالت است. طرح سهام عدالت در شکل کنونی خود، از بابت تشکیل شرکت های کارگزاران متعدد و تعاونی های استانی و چند لایه بودن ارتباط مالی و قیمت گذاری سهام این شرکت ها و مؤسساته ها

و مسدود و غیر قابل معامله (رسمی) بودن سهام موضوع دارایی اصلی، و عدم امکان ممانعت از نقل و انتقال سهام، وضعیت پیچیده و غیر شفاف در آینده خواهد داشت.

اساساً هر جا که شرکت های واسط مالی و کارگزاری، مانند شرکت های سرمایه گذاری فعلی یا صندوق های دوجانبه، دارندگان و مالکان اصلی سهام شرکت های



تولیدی و مولد باشند و مردم عادی مالک و دارنده سهام شرکت های واسط تلقی شوند، باید شیوه های عملیاتی مناسب بازاری سازی و هیئت های امنای متعدد ناظر بر ارزش گذاری سهام به صورت نقطه ای با معیار بازار، به صورت فعال وجود داشته باشد. تجربه کشورهای دیگر نشان می دهد که در صورت فعال نبودن این راهکارها، اعتماد مردم نسبت به بازارهای مالی دچار خدشه می شود؛ رخدادی که در بلندمدت به مشارکت مردم و گسترش پایه های مالکیت آسیب خواهد زد.

از دیگر مشکلات اساسی و اجرایی راهکار بند (ج)، نبود چارچوب زمامداری مناسب برای مدیریت امور شرکت ها و مؤسساته های خصوصی است. نبود زمامداری باعث شده است که رابطه بین مالکیت و مدیریت در نظام شرکت داری در کشور مخدوش باشد.

هم اکنون شرکت های بسیار متعددی وجود دارند که اگرچه به مفهوم واقعی کلمه خصوصی هستند زیرا که درصد بسیار بیشتری از ۵۰ درصد سهام آن ها از طریق بورس در اختیار سهامداران خرد قرار دارد، اما دارنده یک بلوک ۱۵ تا ۲۰ درصدی از سهام تمامی امور مدیریتی شرکت را کنترل می کند. یقیناً با خرد شدن سهام شرکت های موضوع بند (ج)، به صورت ۲۰ درصد مالکیت دولت، ۴۰ درصد واگذاری از طریق طرح سهام عدالت و ۴۰ درصد فروش از طریق بورس به مردم عادی، گماکان دولت نقش سرنوشت سازی در مدیریت این شرکت ها ایفاء خواهد کرد. مشکلات ناشی از فقدان چارچوب زمامداری در نظام شرکت داری کشور و نیز سلطه مؤسساته های عمومی غیردولتی بر بخش وسیعی از فعالیت ها و صنایع کشور از جمله مسائلی است که ممکن است برای سال های متمادی مانع از خصوصی سازی واقعی فعالیت ها در اقتصاد کشور شود.

راهکار بند (ج) سیاست های کلی اصل ۴۴ گر چه مانع بزرگ خصوصی سازی فعالیت های عمده تولیدی و خدماتی کشور را از میان برداشته است، اما وضعیت مالی شرکت ها و مؤسساته های موضوع خصوصی سازی، درهم تنیدگی این راهکار با طرح سهام عدالت دولت، و ضعف های موجود در زمینه زمامداری شرکتی از جمله مقولات پیچیده ای است که نیازمند بررسی و طراحی های جدیدی در این زمینه خواهد بود. ●

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**تا قبل از این تحولات،
قانونی بودن طرح سهام
عدالت دولت از جانب بعضی
کارشناسان و نمایندگان
مورد پرسش قرار گرفت**

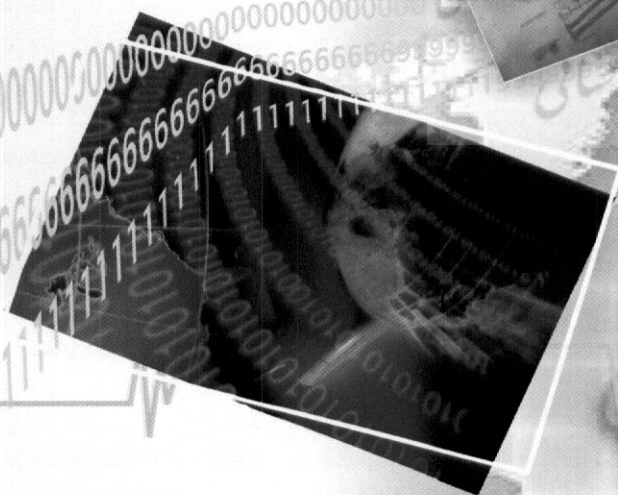


عليه السلام

تعاونی اعتبار ثامن الائمه

ثمره اعتماد شما

با بیش از ۴۰۰ شعبه در سراسر کشور ارائه دهنده خدمات مالی و اعتباری



دفتر مرکزی: تهران - خیابان گاندی - خیابان ۱۵ - برج ثامن
تلفن: (۱۰ خط) ۸۲۰۷۲۲۲۰ فاکس: ۸۸۷۹۳۴۹۳

وابط عمومی تعاونی اعتبار ثامن الائمه (ع)

تعاونی اعتبار تامن الائمه (عليه السلام)

نرخ سود علی الحساب سپرده‌ها

نرخ سود علی الحساب	نوع سپرده
۲۰/۵٪	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (پنج ساله)
۱۹/۵٪	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (چهار ساله)
۱۹٪	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (سه ساله)
۱۸/۵٪	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (دو ساله)
۱۸٪	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (یک ساله)
۱۵٪	سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت ویژه (شش ماهه)
۱۳٪	سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت

سود علی الحساب سپرده های فوق بطور روز شمار پرداخت میگردد.

طرح مشارکت همبستگی

اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی به دارندگان حسابهای پس انداز قرض الحسنه

نرخ	مبلغ تسهیلات در روز	نوع تسهیلات	مدت تسهیلات	نوع سپرده
۱۳٪	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲	۵	۵
۱۵٪	۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۵	۶	۶
۱۶٪	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۲	۸	۸

تعاونی اعتبار تامن الائمه شرعه اعتماد شما

مستوران گرامی برای یک حساب ویژه

با سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت

- پرداخت بالاترین سود بانکی
- تسهیلات در قبال میزبانی مالک حساب

۴ تا ۳۶ ماهه

تعاونی اعتبار تامن الائمه شرعه اعتماد شما

تهدیه ای از تامن الائمه

طرح مرورزان

رفع جوانب نیازمندان در قالب اعطای قرض الحسنه

بده زوج های جوان و بیماران

تعاونی اعتبار تامن الائمه شرعه اعتماد شما

طرح باقیات و وصاحات

سپرده گذاری افراد خیر

معرفی افراد نیازمند

در قالب وقفه قرض الحسنه

تعاونی اعتبار تامن الائمه شرعه اعتماد شما